

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



۱۰۰۰

پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده متون فقه



تدوین:
محسن سَیْنَجَلِی

انتشارات چتر دانش

دانش‌پژوه گرامی
لطفاً قبل از مطالعه کتاب به درست‌نامه
مندرج در انتهای کتاب مراجعه کنید.

- سرشناسه : سینجلی، محسن، ۱۳۷۱ -
- عنوان و نام پدیدآور : ۱۰۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده متون فقه / تدوین محسن سینجلی.
- مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۶۰۷ ص.
- شابک : ۶-۲۰۵-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی : فیبای مختصر
- عنوان گسترده : هزار پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده متون فقه.
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۹۰۶۵۵

- نام کتاب: ۱۰۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده متون فقه
- ناشر: چتر دانش
- تدوین: محسن سینجلی
- نوبت و سال چاپ: ششم - ۱۴۰۰
- شمارگان: ۱۰۰۰
- شابک: ۶-۲۰۵-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
- قیمت: ۱۵۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نبری‌جاوید(اردیبهشت‌شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرترف‌دارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزشی عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی، بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

سؤالات

فصل ۱ : سؤالات باب القضاء.....	۹
فصل ۲ : سؤالات باب الشهادات.....	۲۰
فصل ۳ : سؤالات باب الوقف.....	۳۰
فصل ۴ : سؤالات باب العطية.....	۳۴
فصل ۵ : سؤالات باب المتاجر.....	۳۶
فصل ۶ : سؤالات باب الدين.....	۶۵
فصل ۷ : سؤالات باب الرهن.....	۶۹
فصل ۸ : سؤالات باب الحجر.....	۷۵
فصل ۹ : سؤالات باب الضمان.....	۷۸
فصل ۱۰ : سؤالات باب الحوالة.....	۸۱
فصل ۱۱ : سؤالات باب الكفالة.....	۸۴
فصل ۱۲ : سؤالات باب الصلح.....	۸۵
فصل ۱۳ : سؤالات باب الشركة.....	۸۸
فصل ۱۴ : سؤالات باب المضاربة.....	۹۰
فصل ۱۵ : سؤالات باب الوديعة.....	۹۳
فصل ۱۶ : سؤالات باب العارية.....	۹۵
فصل ۱۷ : سؤالات باب المزارعة.....	۹۸
فصل ۱۸ : سؤالات باب المسابقات.....	۱۰۰
فصل ۱۹ : سؤالات باب الإجارة.....	۱۰۱
فصل ۲۰ : سؤالات باب الوكالة.....	۱۰۹
فصل ۲۱ : سؤالات باب الشفعة.....	۱۱۲
فصل ۲۲ : سؤالات باب الرماية.....	۱۱۵
فصل ۲۳ : سؤالات باب الجعالة.....	۱۱۶
فصل ۲۴ : سؤالات باب الوصايا.....	۱۱۹
فصل ۲۵ : سؤالات باب النكاح.....	۱۲۴
فصل ۲۶ : سؤالات باب الطلاق.....	۱۴۴
فصل ۲۷ : سؤالات باب الخلع و المبارات.....	۱۴۹
فصل ۲۸ : سؤالات باب اللعان.....	۱۵۰
فصل ۲۹ : سؤالات باب الاقرار.....	۱۵۱
فصل ۳۰ : سؤالات باب الغصب.....	۱۵۳

١٥٧	فصل ٣١: سوالات باب الميراث
١٦٩	فصل ٣٢: سوالات باب الحدود
١٩٧	فصل ٣٣: سوالات باب القصاص
٢١١	فصل ٣٤: سوالات باب الديات
٢٢٣	فصل ٣٥: سوالات باب احيا:الموات
٢٢٥	فصل ٣٦: سوالات باب الجهاد

پاسخنامه

٢٤٢	فصل ١: پاسخنامه باب القضا
٢٥٦	فصل ٢: پاسخنامه باب الشهادات
٢٦٩	فصل ٣: پاسخنامه باب الوقف
٢٧٥	فصل ٤: پاسخنامه باب العطية
٢٧٨	فصل ٥: پاسخنامه باب المتاجر
٣١٤	فصل ٦: پاسخنامه باب الدين
٣١٩	فصل ٧: پاسخنامه باب الرهن
٣٢٨	فصل ٨: پاسخنامه باب الحجر
٣٣٢	فصل ٩: پاسخنامه باب الضمان
٣٣٦	فصل ١٠: پاسخنامه باب الحوالة
٣٣٩	فصل ١١: پاسخنامه باب الكفالة
٣٤١	فصل ١٢: پاسخنامه باب الصلح
٣٤٤	فصل ١٣: پاسخنامه باب الشركة
٣٤٧	فصل ١٤: پاسخنامه باب مضاربة
٣٥٠	فصل ١٥: پاسخنامه باب الوديعة
٣٥٢	فصل ١٦: پاسخنامه باب العارية
٣٥٦	فصل ١٧: پاسخنامه باب المزارعة
٣٥٩	فصل ١٨: پاسخنامه باب المساقات
٣٦٠	فصل ١٩: پاسخنامه باب الاجارة
٣٧٠	فصل ٢٠: پاسخنامه باب الوكالة
٣٧٤	فصل ٢١: پاسخنامه باب الشفعة
٣٧٧	فصل ٢٢: پاسخنامه باب سيق و الرماية
٣٧٨	فصل ٢٣: پاسخنامه باب الجعالة
٣٨٢	فصل ٢٤: پاسخنامه باب الوصايا

فصل ۲۵: پاسخنامه باب النکاح.....	۳۸۷
فصل ۲۶: پاسخنامه باب الطلاق.....	۴۱۱
فصل ۲۷: پاسخنامه باب الخلع و الميراث	۴۱۷
فصل ۲۸: پاسخنامه باب اللعان.....	۴۱۸
فصل ۲۹: پاسخنامه باب الاقرار.....	۴۱۹
فصل ۳۰: پاسخنامه باب الغصب.....	۴۲۱
فصل ۳۱: پاسخنامه باب الميراث.....	۴۲۶
فصل ۳۲: پاسخنامه باب الحدود.....	۴۳۹
فصل ۳۳: پاسخنامه باب القصاص.....	۴۷۰
فصل ۳۴: پاسخنامه باب الديات.....	۴۸۴
فصل ۳۵: پاسخنامه باب احیاء الموات.....	۴۹۶
فصل ۳۶: پاسخنامه باب الجهاد.....	۴۹۸
سؤالات آزمون دکتری سراسری ۱۳۹۵.....	۵۱۲
پاسخنامه آزمون دکتری سراسری ۱۳۹۵.....	۵۱۷
سؤالات آزمون دکتری حقوق بین المللی ۱۳۹۶.....	۵۲۱
پاسخنامه آزمون دکتری حقوق بین المللی ۱۳۹۶.....	۵۲۶
سؤالات آزمون دکتری جزا و جرم‌شناسی ۱۳۹۶.....	۵۲۹
پاسخنامه آزمون دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی ۱۳۹۶.....	۵۳۶
سؤالات آزمون دکتری حقوق خصوصی ۱۳۹۶.....	۵۴۰
پاسخنامه آزمون دکتری حقوق خصوصی ۱۳۹۶.....	۵۴۸
سؤالات آزمون دکتری حقوق عمومی ۱۳۹۶.....	۵۵۴
پاسخنامه آزمون دکتری حقوق عمومی ۱۳۹۶.....	۵۶۰
سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۶.....	۵۶۳
پاسخنامه آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۶.....	۵۶۸
سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۷.....	۵۷۳
پاسخنامه آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۷.....	۵۷۸
سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۸.....	۵۸۳
پاسخنامه آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۸.....	۵۹۰
سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۹.....	۵۹۵
پاسخنامه آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۹.....	۶۰۲
درستنامه.....	۶۰۶

بسمه تعالی

این کتاب که هم اکنون در اختیار دارید دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد:

(۱) ۱۰۰۰ تست طبقه‌بندی شده از کتاب القضاء تا کتاب الدیات و البته کتاب الجهاد به همراه دارد.

(۲) پاسخنامه سؤالات کاملاً تشریحی می‌باشد.

(۳) این مجموعه از آزمون‌های: دکتری حقوق عمومی و حقوق جزا و جرم‌شناسی و حقوق خصوصی و حقوق بین‌الملل و آزمون‌های قضاوت و آزمون‌های سراسری حقوق و الهیات گردآوری شده است.

داوطلبان عزیز برای استفاده از نکات تکمیلی و چکیده متون فقه می‌توانند به آدرس اینستاگرام [mohsen.sayanjali](https://www.instagram.com/mohsen.sayanjali) مراجعه کنند و همچنین با شماره تلگرامی ۰۹۹۱۰۶۰۵۰۹۰ ارتباط برقرار کنند.

سؤالات

سؤال‌ات باب القضاء

فصل

(سراسری - ۱۳۹۱)

کدام مورد برای قاضی جایز است؟

- ۱) الارتزاق من بیت المال مع الحاجة و عدم تعین القضاء علیه فقط
- ۲) اخذ الجعل و الاجره من غیر الخصوم
- ۳) الارتزاق من بیت المال مع الحاجة و ان تعین القضاء علیه
- ۴) اخذ الجعل و الاجره من الخصوم

(دکتری حقوق عمومی - ۱۳۹۱)

کدام حکم در حق قاضی از احکام الزامی قضاوت است؟

- ۱) حرمة تلقین أحد الخصمین حجته
- ۲) وجوب ترغیب الخصمین فی الصلح
- ۳) وجوب التسوية بین مجلس الخصمین: المسلم و الکافر
- ۴) وجوب التسوية بین الخصمین فی الميل القلبی

(دکتری حقوق بین الملل - ۱۳۹۲)

انجام کدام عمل بر «قاضی» مکروه است؟

- ۱) ان یداخله فی الشهادة
- ۲) ان یرغبة فی اقامة الشهادة اذا وجده مترددا
- ۳) ان یکف عن الشاهد حتی ینتهی ما عنده و ان لم یفد
- ۴) ان یعنت الشهود اذا كانوا من اهل البصيرة بالتحزیز

(دکتری حقوق عمومی - ۱۳۹۲)

انجام کدام کار بر قاضی حرام است؟

- ۱) ان یشفع الی المستحق فی اسقاط حق
- ۲) ان یرفع المسلم علی الکافر فی المجالس
- ۳) ان یجلس المسلم مع قیام الکافر
- ۴) ان تلقین احد الخصمین حجته

۵ نظر شهید ثانی در مورد اثبات طلاق خلع چیست؟ (تألیفی)

- ۱) لا یشیت بشاهد و امرأ تین مطلقا
- ۲) لا یشیت بشاهد و امرأتین إذا کان المدعی هو المرأة
- ۳) لا یشیت بشاهد و امرأتین إذا کان المدعی هو الرجل
- ۴) یشیت بشاهد و یمین مطلقا

۶ هرگاه به مسلمان و کافری به عنوان مدعی و یا منکر قسم توجه نماید سوگند در صورتی معتبر است که ... (دکتری حقوق بین‌الملل - ۱۳۹۳)

- ۱) هر یک از مسلمان و کافر به خدا و اسماء خاصه او قسم یاد کنند.
- ۲) مسلمان باید به خدا و کافر نیز به هر امر الزام‌آور در مذهبشان سوگند بخورد.
- ۳) مسلمان می‌تواند به خدا و یا قرآن کریم و کافر نیز به خدا و کتاب آسمانی خویش سوگند بخورد.
- ۴) مسلمان به خدا و یا قرآن و یا پیامبر خویش و کافر نیز به خدا و یا کتاب آسمانی و یا پیامبر خود قسم یاد کند.

۷ در جمله «هل يجوز ارتزاق القاضی و القاسم من بیت المال ام لا؟» مراد از کلمه «القاسم» کدام است؟ (دکتری حقوق بین‌الملل - ۱۳۹۳)

- ۱) کسی که از سوی قاضی، مأمور قسم دادن مدعی است.
- ۲) کسی که از سوی قاضی، مأمور قسم دادن منکر است.
- ۳) کسی که در دادگاه، قسم به او متوجه شده است.
- ۴) تقسیم‌کننده مال از سوی امام یا نایب امام

۸ معنی صحیح «کما تحرم الرشوه علی المرتشی تحرم علی المعطى لاعانته علی الاثم» در کدام گزینه آمده است؟

(دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی - ۱۳۹۳)

- ۱) همان‌طوری که دریافت رشوه حرام است راشی هم، چون معاون جرم است مرتکب حرام شده است.
- ۲) همان‌گونه که دادن رشوه حرام است، معاونت در آن هم حرام و معاونت در گناه است.
- ۳) همان‌گونه که گرفتن رشوه حرام است دادن آن نیز به دلیل کمک بر

گناه حرام است.

۴) همان طوری که دادن رشوه حرام است گرفتن آن هم حتی توسط واسطه حرام و کمک به جرم است.

۹

کدام مورد از مصادیق «المرتزقه من بیت المال» به شمار می‌رود؟
(دکتری حقوق خصوصی-۱۳۹۳)

- ۱) قاضی غیرمحتاجی که قضاوت بر او متعین است
- ۲) قاضی غیرمحتاج مطلقاً
- ۳) قاسم
- ۴) قاضی غیرمحتاجی که قضاوت بر او متعین نشده است

۱۰

«و لا بد فی القاضی المنصوب من الامام من الکمال والعداله و اهلیه الافتاء و الذکوره و الکتابه و البصر». شرط «ایمان» در کدام یک از اوصاف فوق، داخل است؟
(دکتری حقوق خصوصی-۱۳۹۳)

۱) عدالت ۲) کمال ۳) بصر ۴) اهلیت افتاء

۱۱

«مجرد یمین» در «حطیم» مصداق چه نوع «تغلیظ» است؟
(دکتری حقوق خصوصی-۱۳۹۳)

- ۱) زمانی
- ۲) مکانی
- ۳) محرم
- ۴) زبانی (قولی)

۱۲

«لا يجوز الجعل و لا الاجرة من الخصوم و لا من غیرهم لانه فی معنی الرشا». ضبط و اعراب درست کلمه «الجعل» کدام است؟

- ۱) الْجَعْلُ
- ۲) الجَعْلُ
- ۳) الْجَعَلُ
- ۴) الجَعْلُ

۱۳

کدام یک از موارد زیر با یک شاهد و قسم پذیرفته می‌شود؟

- ۱) وکالت
- ۲) نکاح
- ۳) عیوب مردان
- ۴) قتل کافر توسط مسلمان

۱۴

در عبارت «لو طلب احد الشریکین المهایاة جاز و لم یجب اجابته»، کلمه «مهایاة» به کدام معنی است؟ (دکتری حقوق خصوصی-۱۳۹۳)

- ۱) قسمة مال المشترك او منفعتہ
- ۲) قسمة المنفعة بالاجزاء او الزمان

۳) قسمة مال المشترك ان كان فيها ردُّ

۴) قسمة مال المشترك و ان لم يكن فيها ردُّ

در عبارت زیر، قاضی تحکیم به کدام معنی است؟

۱۵

(دکتری حقوق عمومی-۱۳۹۴)

«قاضی التحکیم و هو الذی تراضی به الخصمان لیحکم بینهما مع

وجود قاض منصوص من قبل الامام (علیه السلام) و ذلك فی حال حضوره.»

۱) شخصی است که در زمان حضور امام (علیه السلام)، از سوی قاضی منصوب توسط امام معصوم (علیه السلام) برای داوری برگزیده شده است.

۲) همان قاضی منصوب از جانب امام (علیه السلام) است.

۳) شخصی است که در زمان غیبت، متصدی امر قضاوت در میان مردم می‌شود.

۴) شخصی است که دو طرف دعوی رضایت داده‌اند که در میانشان حکم کند، در زمانی که قاضی منصوب از جانب امام (علیه السلام) وجود دارد.

با توجه به عبارت زیر، منکر چه کسی است؟

۱۶

(دکتری حقوق عمومی-۱۳۹۴)

«المدعی هو الذی یترک لو ترک الخصومة و هو المعبر عنه بانه الذی

یُخَلَّى و سکوته و قیل هو من ینخالف قوله الاصل او الظاهر والمنکر

مقابله فی الجمیع.»

۱) قولش موافق با اصل یا ظاهر است و اگر دعوی را رها کند، به حال خود رها نمی‌شود.

۲) قولش مخالف اصل است.

۳) اگر سکوت کند، به حال خود رها می‌شود.

۴) قولش موافق اصل عملی است، ولی مخالف ظاهر است.

مقصود از واژه «حکم» در جمله زیر چیست؟

۱۷

(دکتری حقوق عمومی-۱۳۹۴)

«الحکم بین الناس واجب کفایة فی حق الصالحین له، الا انه مع حضور

الامام و وظيفة الامام علیه السلام او نائبه.»

۱) اجرای حدود

۲) حکومت بر مردم

۳) کمیت یا داوری

۴) قضاء

۱۸

مراد از «بصر» در عبارت زیر، کدام است؟ (سراسری-۱۳۹۳)
 «و لابد فی القاضی المنسوب من الامام من الکمال و العداله و اهلیه
 الافتاء و الذکوره و الکتابه و البصر»

- (۱) بینا بودن
 (۲) بصیرت دینی داشتن
 (۳) بصیرت فقهی داشتن
 (۴) بصیرت قضایی داشتن

۱۹

مجرد «بمین» در کدام قسمت از محدوده مساجد معمول، مصداق یکی
 از اقسام «تغلیظ» است؟ (سراسری-۱۳۹۳)

- (۱) محراب
 (۲) تمام شبستان اصلی
 (۳) تمام شبستان و صحن
 (۴) محل برپایی صف اول در جماعت

۲۰

کدام مورد، بر قاضی حرام است؟ (سراسری-۱۳۹۴)

- (۱) تلقین احدالخصمین حجه
 (۲) ترغیب الخمصین فی الصلح
 (۳) الشفاعة الی المستحق فی اسقاط حق او الی المدعی فی ابطال دعوی
 (۴) القضاوه مع اشتغال القلب بنعاس او هم او غضب

۲۱

در کدام مورد، حالف نمی تواند به طور قاطع سوگند بخورد؟

(سراسری-۱۳۹۴)

- (۱) فعل نفسه
 (۲) ترک فعل نفسه
 (۳) نفی فعل غیره
 (۴) فعل غیره

۲۲

کدام مورد، صحیح است؟ (سراسری-۱۳۹۴)

- (۱) یحرم علی القاضی اخذ الاجره و یجوز ارتزاقه من بیت المال مع الحاجة.
 (۲) یجوز للقاضی اخذ الاجره لو احتاج الیه و کذا الارتزاق من بیت المال.
 (۳) یحرم علی القاضی اخذ الاجره و یجوز ارتزاقه من بیت المال لو تعین
 القضاء علیه.
 (۴) یحرم علی القاضی اخذ الاجره و الارتزاق من بیت المال لو تعین القضاء علیه.

۲۳

لا تنعقد الیمین الموجهه للحق من المدعی او المسقطه للدعوی من
 المنکر الا (سراسری-۱۳۹۴)

- (۱) بالله تعالی و الکتب المنزله والانبياء والائمة
- (۲) بالله تعالی و اسمائه الخاصه
- (۳) بالله تعالی و الکتب المنزله والانبياء
- (۴) بالله تعالی و الکتب المنزله

در مورد قاضی تحکیم، کدام یک از گزینه‌های زیر، غلط است؟

۲۴

(تألیفی)

- (۱) هوالذی تراضی به الخصمان لیحکم بینهما مع عدم وجود قاض منصوب من قبل الإمام
- (۲) و ذلك فی حال حضور الإمام
- (۳) فَإِنَّ حکمه ماض علیهما
- (۴) و إن لم یستجمع جمیع هذه الشرائط

(قضایوت - شهر یور ۱۳۸۲)

کدام گزینه صحیح است؟

۲۵

- (۱) لاتجب التسویه بین الخصمین فی الميل القلبی
- (۲) تجب التسویه بین الخصمین فی الميل القلبی
- (۳) الاحوط التسویه بین الخصمین فی الميل القلبی
- (۴) تستحب التسویه بین الخصمین فی الميل القلبی

«لو اکذب الحالف نفسه بالاقرار جاز مطالبته بالحق و حل مقاصته مما

۲۶

یجده مع امتناعه عن التسليم» یعنی: (قضایوت - مهر ۱۳۸۹)

- (۱) اگر بعد از ادای سوگند، اداء کننده اعلام کند به دروغ سوگند یاد کرده، اعلام او اقراری است که بر اساس آن می‌توان حق طرف را از او طلب کرد و اگر امتناع کند می‌توان از اموالش تقاص نمود.
- (۲) اگر بعد از ادای سوگند شخصی اعلام کند، سوگند مذکور دروغ بوده، او اقرار به نفع طرف مقابل نموده و می‌توان حق طرف را از وی مطالبه و اگر امتناع کند، از اموالش تقاص می‌شود.
- (۳) اگر اقرار کننده، بر کذب اقرار خود قسم بخورد، آنچه را که داده می‌تواند مطالبه کند و اگر طرف او از استرداد امتناع کند، می‌تواند از او تقاص کند.
- (۴) اگر شخصی با وجود اقرار به دروغ قسم بخورد، مطالبه حق از او جایز بوده و تقاص از او حلال می‌شود.

عبارت «و أما السكوت إن كان عناداً حبس حتى يجيب و إن كان لأفه توصل الحاكم الى الجواب...» بیانگر کدام یک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟ (قضاوت - مهر ۱۳۸۹)

- (۱) طرح ادعا توسط خواهان
- (۲) دفاع توسط مدعی علیه
- (۳) نکول مدعی علیه از سوگند
- (۴) سکوت مدعی علیه در برابر ادعای خواهان

ما هو الحكم فيما اذا لو تكلم الخصمان معها عند الحاكم؟ (قضاوت - ۱۳۹۱)

- (۱) يقرع بينهما
- (۲) يسمع دعوى من جلس على يسار القاضي
- (۳) يسمع دعوى من جلس على يسار الآخر
- (۴) يسمع دعوى من له حق اليمين و الاستحلاف على الآخر

ما هو حكم البيع فيما لو باع فرص العابر؟ (قضاوت - ۱۳۹۱)

- (۱) يصح و يراعى بإمكان حصول القدرة
- (۲) لم يصح مطلقاً لعدم القدرة على تحصيله
- (۳) يصح لحصول الشرط و هو القدرة على تحصيله
- (۴) لم يصح بدون الضميمة الى ما يصح بيعه منفرداً

ما هو الحكم فيما لو ظهر كذب البائع فى الاخبار بقدر الثمن؟ (قضاوت - ۱۳۹۱)

- (۱) تخير المشتري بين الفسخ و الامضاء
- (۲) يسقط ارد و يبقى الارش
- (۳) تخير المشتري بين الرد و الامساک بالارش
- (۴) يسقط حق الرد و يبقى الارش

کدام مورد، صحیح نیست؟ (قضاوت - ۱۳۹۱)

- (۱) لا يستقل بالاحلاف الغريم من دون اذن الحاكم

- (۲) يتبرع الحاكم با حلاف المدعى عليه
 (۳) لاتسمع البينه من المدعى بعد حلف المنكر
 (۴) لو تبرع المنكر بالحلف لفي

۳۲ با عنایت به عبارت «يحرم على القاضي ان يتعتع الشاهد». کدام مورد بر قاضی حرام است؟ (قضاوت - ۱۳۹۱)

- (۱) در صورت توقف شاهد، او را نسبت به انجام آن بی میل کند.
 (۲) شاهد را به ادای شهادت تشویق کند.
 (۳) به دنبال گواهی شاهد، سخنی ضمیمه کند.
 (۴) در شهادت شاهد مداخله کند.

۳۳ در عبارت «يجبر الشريك على القسمة» کدام مورد از شرایط اجبار شریک بر قسمت نیست؟ (قضاوت - ۱۳۹۱)

- (۱) عدم الرد (۲) عدم الضرر
 (۳) طلب الشريك المهايأة (۴) التماس الشريك القسمة

۳۴ عبارت صحیح، کدام است؟ (قضاوت - ۱۳۹۲)

- (۱) يجب للحاكم وعظ الحالف قبله
 (۲) يكره على القاضي أن يتعتع الشاهد
 (۳) كل ما يثبت بشاهد و امرأة لا يثبت بشاهد و يميين
 (۴) يحرم على القاضي ان يتعتع الشاهد

۳۵ کدام مورد بیانگر تعریف مدعی و منکر است؟ (قضاوت - ۱۳۹۴)

- (۱) المدعى يترك لو ترك الخصومة والمنكر مقابله.
 (۲) المدعى هو الذى قوله يوافق الاصل والمنكر مخالفه.
 (۳) المدعى هو الذى قوله يخالف الظاهر والمدعى مقابله.
 (۴) المدعى هو الذى يترك الخصومة والمنكر أيضاً.

۳۶ در موردی که دو طرف دعوی متصرف هستند ولی یکی مدعی جمیع و دیگری مدعی نصف مشاع است و بیّنه هم ندارند، حکم چیست؟ (فقه، ارشد فقه و مبانی - ۱۳۸۵)

- (۱) پس از سوگند مدعی جمیع، مال مورد دعوی به وی تعلق می‌گیرد.

- (۲) پس از سوگند مدعی جمیع برای طرف دیگر، مال مورد دعوی به دو نیم تقسیم می‌شود.
- (۳) پس از سوگند مدعی نصف برای طرف دیگر، مال مورد دعوی به دو نصف تقسیم می‌شود.
- (۴) مال مورد دعوی به دو سوم و یک سوم تقسیم شده و دو سوم به مدعی جمیع تعلق می‌گیرد.

۳۷

کدام گزینه در زمینه رشوه صحیح است؟

(فقه، ارشد فقه و مبانی - ۱۳۸۵)

- (۱) تحرم الرشوة للباذل فقط سواء حکم بحق ام بباطل
- (۲) تحرم الرشوة فقط فيما اذا حکم لباذلهما بالباطل
- (۳) تحرم الرشوة سواء حکم لباذلهما بحق ام باطل
- (۴) لا تحرم الرشوة فيما اذا حکم لباذلهما بحق

۳۸

در کدام مورد علاوه بر بیّنه، قسم لازم نیست؟

(فقه، ارشد فقه و مبانی - ۱۳۸۶)

- (۱) ان كانت الدعوى للموئى عليه
- (۲) ان كانت الدعوى لنفسه
- (۳) فى الشهادة على الميت
- (۴) فى الشهادة على الطفل

۳۹

فی کیفیتة الحكم المنکر هو الذى.... (فقه، ارشد فقه و مبانی - ۱۳۸۰)

- (۱) یترک لو ترک الخصومة
- (۲) لا یترک لو ترک الخصومة
- (۳) کان حقه الاحلاف ولومع وجود البينة
- (۴) کلامه مخالف للاصل و الظاهر

۴۰

نسبت به اتومبیلی که مشاعاً در تصرف دو نفر است دعوایی مطرح می‌شود و یک نفرشان مدعی مالکیت کل و دیگری مدعی مالکیت نصف می‌شود. در این صورت کدام یک قسم می‌خورد و چه مقدار می‌برد؟

(فقه، ارشد فقه و مبانی - ۱۳۸۷)

- (۱) مدعی کل و $\frac{۳}{۴}$ را می‌برد.
- (۲) مدعی کل و کل را می‌برد.
- (۳) مدعی نصف و نصف را می‌برد.
- (۴) مدعی نصف و کل را می‌برد.

۴۱ در عبارت: «لوالتمس كتابة اقراره كتب و اشهد مع معرفته او شهادة عدلين بمعرفته او اقتناعه بحليته» فاعل «التمس» و مرجع ضمير «مع معرفته» و «اقتناعه» به ترتيب عبارت است از ...
(فقه، ارشد فقه و مباني - ۱۳۸۷)

(۱) المدعى - المدعى - المدعى عليه

(۲) المدعى - المدعى عليه - الحاكم

(۳) المدعى عليه - الحاكم - المدعى عليه

(۴) المدعى عليه - المدعى - الحاكم

۴۲ دو نفر همزمان نزد قاضی طرح دعوی کرده، اولی می‌گوید: «طلبکارم» و دومی می‌گوید: بدهی خود را پرداخته‌ام». در این مورد ...
(فقه، ارشد فقه و مباني - ۱۳۸۷)

(۱) با قرعه تعیین می‌شود که کدام دعوی مسموع است.

(۲) قاضی مجدداً درخواست طرح دعوی می‌کند تا زمانی که یک نفر زودتر سخن گوید و دعوای او مسموع است.

(۳) مدعی اداء قسم می‌خورد.

(۴) مدعی طلب قسم می‌خورد.

۴۳ يتحقق قاضى التحكيم... (فقه، ارشد فقه و مباني - ۱۳۸۹)

(۱) حال الحضور والغیبة.

(۲) حال حضور الإمام عليه السلام.

(۳) حال حضور الإمام عليه السلام و الغیبة اذا كان مجتهداً.

(۴) حال حضور الإمام عليه السلام و لو كان القاضى منصوباً.

۴۴ ولايه القاضى المنسوب من الامام عليه السلام (فقه، ارشد فقه و مباني - ۱۳۹۱)

(۱) يثبت بالشياع او شهادة العدلين بل اخبار عدل واحد

(۲) يثبت بالشياع او شهادة العدلين بل اخبار ثقه

(۳) لا يثبت الا بشهادة عدلين

(۴) يثبت بالشياع او شهادة عدلين

۴۵ مطابق نظر شهید ثانی کدام گزینه نادرست است؟

(فقه، ارشد فقه و مبانی - ۱۳۹۱)

- (۱) قاضی التحکیم منحصر بزمن حضور الامام (علیه السلام)
- (۲) يشترط فی قاضی التحکیم اجتماع شرائط الافتاء
- (۳) قاضی التحکیم فی زمن الغيبة متصور ولكن يجب اجتهاده
- (۴) اطلاق النصوص يقتضى نفوذ حکم قاضی التحکیم علی تراضی الخصمین

۴۶ کدام یک از موارد زیر اثبات کننده ولایت قاضی منصوب است؟

(فقه، ارشد فقه و مبانی - ۱۳۹۲)

- (۱) شهادة عدلين
- (۲) اخبار عدل واحد علی الاقل
- (۳) شهادة عدلين لو كان بين يدى حاكم
- (۴) الشیاع او اخبار عدل واحد علی الاقل

۴۷ يجوز ارتزاق القاضی من بيت المال ... (فقه، ارشد فقه و مبانی - ۱۳۹۴)

- (۱) لواحتاج القاضی
- (۲) لواحتاج القاضی و تعین القضاء علیه
- (۳) مطلقاً لأنه معدللمصالح و القضاء من أعظم المصالح
- (۴) لواحتاج القاضی و تعین القضاء علیه و كان فی زمن الحضور

فصل

۱ گزینه ۳ همان‌طور که می‌دانید یکسری امور بر قاضی جایز است، مثل:

روزی خوردن از بیت‌المال در صورت نیاز قاضی، یعنی به خاطر نبودن مال یا دسترسی نداشتن به مال، خواه قضاوت بر او واجب عینی باشد و خواه نباشد، زیرا بیت‌المال برای مصالح مسلمانان آماده شده و قاضی از بالاترین مصالح است. اما گرفتن مقرری و یا مزد از صاحبان دعوا و نیز غیر آنها، جایز نیست، چون آن مال در معنای رشوه است. همچنین رشوه‌گرفتن بر قاضی حرام است و تلقین کردن راه استدلال به یکی از طرفین نزاع توسط قاضی حرام است. پس از صدور حکم و ثابت‌شدن حق، بر قاضی مکروه است که در مورد اسقاط حق صاحب حق وساطت کند و از او تقاضا کند که از حق خود بگذرد و یا در مورد باطل کردن ادعای مدعی وساطت کند، همچنین قضاوت‌کردن در حالت مشغولیت قلبی به خاطر چرت‌زدن یا گرسنگی و... مکروه است، اما چون سؤال پرسیده است که کدام مورد جایز است، گزینه «۱ و ۲» که رد می‌شوند و گزینه «۴» چون از لفظ «فقط» استفاده کرده است، رد می‌شود و جواب این سؤال گزینه «۳» است.

۲ گزینه ۱ اشاره دارد که بر قاضی نصیحت طرفین و دعوت آن‌ها

به سازش، واجب است که غلط است و رد می‌شود، چون مستحب است. گزینه «۳» اشاره دارد که بر قاضی هنگامی که دو طرف نزاع، مسلمان و کافر هستند، رعایت نشستن واجب است که غلط و رد می‌شود، چون می‌تواند به مسلمان بگوید، تو بنشین و به کافر بگویی که بایست. گزینه «۴» بیان می‌دارد که قاضی در میل قلبی میان دو نفر نزاع باید، رعایت کند، اما این گزینه هم رد می‌شود، چون بر قاضی واجب نیست. اما گزینه «۱» بیان می‌دارد که، تلقین کردن راه استدلال به یکی از طرفین نزاع، توسط قاضی، حرام است که صحیح است و جواب این سؤال است.

۳ گزینه ۴ بر قاضی حرام است که شاهد را به تردید بیندازد، یعنی در گواهی

شاهد مداخله کند، لذا گزینه «۱» رد می‌شود. بر قاضی حرام است در صورتی که شاهد را در گفتارش مردد ببیند، او را به اقامه شهادت تشویق کند، لذا گزینه «۲» هم رد می‌شود. بر قاضی واجب است که از افزودن هر کلامی پس از کلام شاهد خودداری کند تا آنچه نزد شاهد است به پایان برسد، هرچند کلام وی چیزی را ثابت نکند، لذا گزینه «۳» هم رد می‌شود. اما بر قاضی مکروه است که شهود را به سختی بیندازد، به این صورت که آنها را از هم جدا نماید، البته هر گاه شهود اهل بصیرت باشند، لذا جواب این سؤال گزینه «۴» است.

۴ گزینه ۴ اینکه قاضی بعد از صدور حکم و ثابت شدن حق، در مورد اسقاط صاحب حق وساطت کند، بر او مکروه است، لذا گزینه «۱» رد می‌شود. قاضی می‌تواند در نشستن، مسلمان را بر کافر برتری دهد، لذا گزینه «۲» رد می‌شود. قاضی می‌تواند به مسلمان بگوید بنشین و به کافر بگوید بایست، لذا گزینه «۳» هم رد می‌شود. اما تلقین یعنی یاد دادن راه استدلال به یکی از طرفین نزاع بر قاضی حرام است، لذا گزینه «۴» جواب این سؤال است.

۵ گزینه ۲ در باب اثبات طلاق خلع، نظر شهید اول آن است که، طلاق خلع مطلقاً یعنی چه توسط مرد باشد و یا زن باشد، با یک شاهد مرد و دو شاهد زن یا با یک شاهد مرد و قسم اثبات نمی‌شود. اما شهید ثانی قائل است که اگر مدعی زن باشد با یک شاهد مرد و دو شاهد زن یا با یک شاهد مرد و قسم ثابت نمی‌شود ولی اگر مدعی مرد باشد با یک شاهد مرد و دو زن ثابت می‌شود، لذا جواب این سؤال گزینه «۲» است.

۶ گزینه ۱ سوگندی که مدعی برای اثبات حق می‌خورد و یا سوگندی که منکر برای اسقاط دعوی مدعی می‌خورد، جز با لفظ جلاله «الله» و نامهای مخصوص خداوند منعقد نمی‌شود، خواه سوگند خورنده مسلمان باشد و خواه کافر. لذا گزینه‌های «۲ و ۴» چون میان مسلمان و کافر فرق گذاشته‌اند، رد می‌شوند و گزینه «۳» چون به جای لفظ «باید» از لفظ «می‌تواند» استفاده کرده است، رد می‌شود و جواب این سؤال گزینه «۱» است.

۷ گزینه ۴ کسانی که می‌توانند از بیت المال روزی بخورند، عبارتند از: (۱) اذان گو (۲) کسی که کارش تقسیم کردن اموال شرکاء و صاحبان حق، است (قاسم) (۳) نویسندگانی که برای امام می‌نویسد (۴) معلم قرآن (۵) معلم آداب (۶)

دفتر داری که اسامی قضاات و ارتشیان و مقدار حقوق آنها و سایر مصالح کشوری در دست اوست، (۷) متولی بیت‌المال، یعنی کسی که از آن نگهداری می‌کند، لذا مراد از قاسم، گزینه «۴» است.

۸ گزینه ۳ عبارت می‌خواهد بگوید که، همان‌طور که گرفتن رشوه بر گیرنده آن حرام است، دادن آن بر دهنده‌اش هم حرام است. چون رشوه‌دهنده، با این کار به گناه و عدوان کمک می‌کند، (البته مگر آنکه رشوه دهنده، برای رسیدن به حق خود چاره‌ای جز رشوه‌دادن نداشته باشد) لذا جواب این سؤال گزینه «۳» است.

۹ گزینه ۳ کسانی که می‌توانند از بیت‌المال روزی بخورند، عبارتند از: اذان گو، کسی که کارش تقسیم‌کردن است (قاسم)، نویسنده‌ای که برای امام می‌نویسد یا برای ضبط بیت‌المال یا برای ضبط اسناد و مدارک طرفین دعوا و یا این قبیل از مصالح اسلامی، معلّم قرآن، معلّم آداب، مانند معلّم ادبیات عرب، علم اخلاق و... دفترداری که اسامی قضاات و ارتشیان و مقدار حقوق آنها و سایر مصالح کشوری در دست اوست، و متولی بیت‌المال، یعنی کسی که از آن نگهداری می‌کند و مقدار موجودی را می‌نویسد و آن را برطبق دستور به مصرف می‌رساند و اگر قاضی، نیاز داشته باشد، خواه قضاوت بر او متعیّن شده باشد و خواه نشده باشد، می‌تواند از بیت‌المال روزی بخورد، لذا گزینه‌های «۱» و «۲» و «۴» رد می‌شوند، چون اولاً اشاره به «قاضی غیرمحتاج» کرده‌اند و ثانیاً اشاره نکرده‌اند که خواه قضاوت بر او متعیّن شده است یا نه، لذا گزینه «۳» جواب این سوال است.

۱۰ گزینه ۱ قاضی منصوب از طرف امام (علیه السلام) باید دارای کمال، که با بلوغ، عقل و حلال زاده بودن حاصل می‌شود، عدالت، که ایمان یعنی شیعه دوازده امامی بودن نیز در آن داخل می‌شود، شایستگی برای فتوا دادن، به این صورت که از دانش‌های لازم برای اجتهاد برخوردار باشد، ذکوریت، توانایی نوشتن، چون ضبط وقایع بدون آن برای غیر پیامبر دشوار است، و بینایی، باشد، چون که قاضی باید بتواند دو طرف دعوا را از یکدیگر تشخیص دهد، لذا چون ایمان داخل در عدالت است، پس گزینه «۱» جواب این سوال است.

۱۱ گزینه ۲ سزاوار است که عبارات قسم را غلیظ کند، مانند قسم به خدایی که

جز او خدایی نیست و نیز مستحب است از جهت زمان هم تغلیظ کند، مانند سوگند خوردن در روز جمعه و عید و پس از زوال خورشید و نیز از جهت مکان، مانند اینکه او را اگر در مکه است در کعبه یا حطیم (مابین رکن و مقام) یا مقام ابراهیم یا مسجدالحرام و یا در داخل محدوده حرم سوگند دهد و اگر در مسجد الاقصی باشند، در زیر سنگ بزرگ قسم دهد و اگر در مساجد دیگری باشند، در محراب مسجد سوگند دهد، لذا «حطیم» مکان است، پس گزینه «۲» جواب این سوال است.

۱۲ گزینه ۴ قاضی حق گرفتن جُعَل (مقرری) و یا مزد از صاحبان دعوا و نیز از غیر آنها، را ندارد، چون آن مال در معنای رشوه است و لذا فقط «جعل» با ضمه خوانده می‌شود، پس گزینه‌های «۱» و «۳» که رد می‌شوند و چون بر روی (لام) هم باید ضمه بیاید، پس گزینه «۱» هم رد می‌شود و گزینه «۴» جواب این سوال است.

۱۳ گزینه ۴ هر امری که با یک شاهد مرد و دو شاهد زن به اثبات می‌رسد، با یک شاهد مرد و قسم هم به اثبات می‌رسد و آن کلیه حقوق مالی و یا هر آن چیزی است که در حکم مال است. وکالت، مالی نیست چون مقصود در آن ولایت دادن است، لذا گزینه «۱» رد می‌شود. نکاح، مالی نیست چون مقصود ذاتی از آن اقامه سنت پیامبر و جلوگیری از حرام می‌باشد، لذا گزینه «۲» هم رد می‌شود. عیوب مردان هم مالی نیست، پس گزینه «۳» هم رد می‌شود. اما قتل کافری توسط مسلمان مالی است چون مسلمان را به واسطه قتل کافر نمی‌کشند، پس گزینه «۴» جواب این سوال است.

۱۴ گزینه ۲ اگر یکی از شرکاء، مهایه را درخواست کند، (مهایه، یعنی موافقت کردن شرکاء بر تقسیم منفعت مال مشترک به حسب اجزای مال و یا به حسب زمان) چنین درخواستی جایز است ولی پذیرفتن آن واجب نیست. و فرقی ندارد که مال مشترک از اموالی باشد که تقسیم اجباری آن صحیح است یا از چنین اموالی نباشد. و در صورت پذیرفتن این درخواست، وفا کردن به تقسیم مهایاتی لازم نیست، بلکه بر هر یک از شرکاء جایز است که آن را فسخ کند، لذا با این توضیحات مُراد از مهایه گزینه «۲» است.

۱۵ گزینه ۴ عبارت می‌خواهد بگوید که، قاضی تحکیم، کسی است که طرفین

دعوا، با وجود قاضی‌ای که از طرف امام (علیه السلام) منصوب شده است، او را برای قضاوت میان خود انتخاب می‌کنند و آن قاضی در زمان حضور امام قابل تصور است، لذا بهترین گزینه برای جواب به این سؤال گزینه «۴» است.

۱۶ گزینه ۱ عبارت می‌گوید که: مدعی کسی است که اگر خصومت را واگذارد، رها می‌شود، و این همان است که گفته‌اند: مدعی، کسی است که با سکوت کردن او، رها می‌شود. برخی گفته‌اند: مدعی، کسی است که ادعایش مخالف با اصل است و یا برخلاف ظاهر حال است، منکر در تمامی موارد، در مقابل مدعی است، یعنی اولاً: قولش موافق اصل و یا ظاهر است. ثانیاً: با سکوتش، دعوی تمام نمی‌شود، لذا جواب این سؤال گزینه «۱» است.

۱۷ گزینه ۴ عبارت می‌خواهد بگوید که، قضاوت کردن بین مردم برای کسانی که شایستگی آن را دارند، واجب کفایی است مگر در زمان حضور امام که وظیفه ایشان و نایب ایشان است، لذا مراد از لفظ «حکم» گزینه «۴» است.

۱۸ گزینه ۱ قاضی منصوب از طرف امام (علیه السلام) باید دارای کمال، که با بلوغ، عقل و حلال‌زاده بودن حاصل می‌شود، عدالت که ایمان نیز در آن داخل می‌شود، شایستگی برای فتوادادن به این صورت که از دانش‌های لازم برای اجتهاد برخوردار باشد، ذکوریت، توانایی نوشتن، چون ضبط وقایع بدون آن برای غیر پیامبر دشوار است و بینایی باشد، چون که قاضی باید بتواند دو طرف دعوا را از یکدیگر تشخیص دهد و این در صورت نابینایی، برای غیر پیامبر، ممکن نیست. از شرایطی که مصنف معتبر دانست سه شرط باقی می‌ماند: غلبه حافظه، لال نبودن و آزادی که البته ممکن است غلبه حافظه را در کمال بتوان دانست. این شرایط که بیان شد، در تمامی قضاوت باید باشد مگر قاضی تحکیم که البته قاضی تحکیم هم باید اکثر این شرایط را دارا باشد، لذا مراد از «بصر» صرف بینا بودن است نه بصیرت فقهی و قضایی و... پس گزینه «۱» جواب این سؤال است.

۱۹ گزینه ۱ سزاوار است که عبارات قسم را غلیظ کند، مانند قسم به خدایی که جز او خدایی نیست. همچنین مستحب است از جهت زمان هم غلیظ کند، مانند سوگند خوردن در روز جمعه و عید و پس از زوال خورشید و پس از نماز عصر و نیز از جهت مکان، مانند اینکه وی را اگر در مکه باشد، در کعبه یا حطیم یا مقام ابراهیم یا مسجدالحرام و یا در داخل محدوده حرم سوگند دهد. و اگر

در مسجدالاقصی باشند در زیر سنگ بزرگ قسم دهد. و اگر در مساجد دیگری باشد، در محراب مسجد سوگند دهد. تغلیظ سوگند در همه دعواهای حقوقی مستحب است مگر در حقوق مالی که خواسته دعوا از مقدار نصاب قطع دست دزد که یک چهارم دینار است، کمتر باشد. در ضمن بر قسم خورنده واجب نیست که به تغلیظ در قسم گردن نهد، با این توضیحات، سوگند در مساجد معمولی، فقط در محراب است که می‌توان غلیظ آن را بیان کرد، پس گزینه «۱» جواب این سؤال است.

۲۵ گزینه ۱ چند امر بر قاضی حرام است: ۱) رشوه‌گرفتن و البته بر رشوه‌دهنده هم حرام است، چون رشوه‌دهنده با این کار به گناه و عدوان کمک می‌کند. ب) تلقین کردن، یعنی یاددادن راه استدلال به یکی از طرفین نزاع و یا چیزی که در آن بر طرف مقابلش ضرری باشد.

گزینه «۲» اشاره به آن دارد که قاضی، طرفین نزاع را نصیحت کند که آنها سازش کنند که این از مواردی است که بر قاضی مستحب است.

گزینه «۳ و ۴» اشاره دارد به آنکه قاضی در مورد اسقاط حق صاحب حق وساطت کند و یا در مورد باطل کردن ادعای مدعی وساطت کند و یا قضاوت کردن در حال مشغولیت قلبی، به سبب چرت زدن، هم و غم داشتن، خشمگین بودن، گرسنگی، سیری و... که این موارد بر قاضی مکروه است، لذا چون سؤال موردی را خواسته است که حرام است، لذا گزینه «۱» جواب این سؤال است.

۳۱ گزینه ۳ سوگندخورنده باید همیشه درباره فعل و ترک خودش و نیز درباره فعل دیگری به طور قطع و یقین قسم بخورد. چون این سه مورد متضمن آن است که وی از واقعه آگاه است و با همین آگاهی است که امکان قسم خوردن قاطعانه برای وی وجود دارد. ولی باید درباره نفی کار دیگری، بر عدم آگاهی خود قسم بخورد. مانند آنجا که علیه مورث انسان مالی ادعا شود، در این جا کافی است که وارث بر اطلاع نداشتن از آن مبلغ قسم بخورد، چون اطلاع پیدا کردن بر مدیون نبودن مورث، دشوار است برخلاف اثبات فعل غیر، چون اطلاع یافتن از آن دشوار نیست، لذا جواب این سؤال گزینه «۳» یعنی ترک فعل دیگری است.

۳۲ گزینه ۱ گزینه «۲» می‌گوید که: برای قاضی، گرفتن اجرت، جایز است اگر

به آن احتیاج داشته باشد؛ همچنین گرفتن روزی از بیت‌المال، جایز است؛ و لذا این گزینه رد می‌شود، چون گرفتن اجرت بر قاضی به هیچ وجه جایز نیست. گزینه «۳» می‌گوید که بر قاضی گرفتن اجرت حرام می‌باشد، اما روزی خوردن از بیت‌المال اگر بر او قضاوت متعین شده باشد، جایز است که این گزینه هم رد می‌شود چون خواه بر قاضی، قضاوت متعین شده باشد و یا نشده باشد، روزی خوردن از بیت‌المال جایز است. گزینه «۴» می‌گوید که بر قاضی، گرفتن اجرت و روزی خوردن از بیت‌المال اگر بر او معین شده باشد، حرام می‌باشد که این گزینه هم غلط است چون روزی خوردن از بیت‌المال بر قاضی، جایز می‌باشد اما گزینه «۱» بیان می‌دارد که، بر قاضی گرفتن اجرت حرام است و گرفتن روزی از بیت‌المال در صورت حاجت، جایز نیست که صحیح است، خواه قضاوت بر قاضی متعین شده باشد یا نشده باشد، لذا گزینه «۱» جواب این سؤال است.

۲۳ گزینه ۳ سوگندی که مدعی برای اثبات حق می‌خورد و یا سوگندی که منکر برای اسقاط دعوی مدعی می‌خورد، جز با لفظ جلاله «الله» و نامهای مخصوص خداوند منعقد نمی‌گردد، خواه سوگند خورنده مسلمان باشد و خواه کافر. و سوگند به غیر نامهای خدا، مانند کتابهایی که از طرف خداوند نازل شده، پیامبران و امامان (علیهم‌السلام) جایز و نافذ نیست. اگر قاضی، در قسم مجوسی با اسم جلاله «الله» جمله «خالق کل شیء» را اضافه کند بهتر است. اگر قاضی می‌بیند که کافر ذمی به وسیله سوگند خودشان باز داشته می‌شود، چنین کند و آنان را به تورات و انجیل و موسی و عیسی، قسم دهد، لذا با این توضیحات قسمی که موجب حقی برای مدعی یا اسقاط حق برای مدعی می‌شود، منعقد نمی‌شود جز با نام خداوند و اسماء خاص خداوند، لذا گزینه «۲» جواب این سؤال است.

۲۴ گزینه ۱ قاضی تحکیم، کسی است که با وجود قاضی منصوب از سوی امام (علیه‌السلام) دو طرف دعوا به داوری او میان خود رضایت می‌دهند. لذا تنها در زمان حضور امام (علیه‌السلام) می‌توان به قاضی تحکیم مراجعه کرد که در این هنگام حکم وی نافذ است، هرچند واجد همه شرایط نباشد، لذا با این توضیحات گزینه «۱» جواب این سؤال است، چون در صورت عدم وجود قاضی منصوب از سوی امام را در متن آورده است که غلط است.

۲۵ گزینه ۱ بر قاضی واجب است که با دو طرف نزاع یکسان رفتار کند در

سخن گفتن و سلام کردن و ... ولی برابری در میل قلبی میان دو طرف نزاع واجب نیست مطلقاً (خواه هر دو مسلمان باشند و خواه کافر) چون در این عدم برابری، ذلتی برای کسی که قاضی به او بی میل است، و یا عزتی برای کسی که قاضی به او متمایل است، وجود ندارد. چون طرفین نزاع و دیگران از میل قلبی قاضی بی خبرند.

۲۶ گزینه ۱ عبارت می‌خواهد بگوید که، اگر سوگندخورنده، گفته خود را تکذیب کند، این اقرار سبب می‌شود که بتوان حق را از او مطالبه کرد و یا در صورتی که از ادای حق امتناع کرد، از او می‌توان تقاض نمود. گزینه «۲» رد می‌شود چون از عبارت «او اقرار به نفع طرف مقابل» استفاده کرده است. گزینه «۳» رد می‌شود، چون از عبارت «آنچه را که داده می‌تواند مطالبه کند» استفاده کرده است و گزینه «۴» هم که به‌طور کلی ناقص ترجمه کرده است. لذا جواب این سؤال گزینه «۱» است.

۲۷ گزینه ۴ یکی از جواب‌های مدعی‌علیه، سکوت است که این سکوت یا به جهت آفتی است، مانند کفری یا لالی که حاکم باید به وسیله اشاره‌ای که یقین‌آور باشد، راهی به جواب او پیدا کند و اما اگر سکوت او از روی دشمنی و لجاجت باشد، باید زندانی شود تا پاسخ بگوید، یا بعد از آنکه پیشنهاد جواب دادن بر او ارائه شود، حکم به نکول او می‌شود، لذا این عبارت می‌خواهد در مورد سکوت مدعی علیه صحبت کند. پس گزینه «۴» جواب این سؤال است.

۲۸ گزینه هیچکدام اگر هر دو طرف با هم به طرح ادعای خود مبادرت کنند، قاضی باید نخست از کسی که سمت راست دیگری قرار گرفته یک ادعا را بشنود و سپس به ادعای دیگری توجه کند، به دلیل روایت محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) البته برخی می‌گویند، میان آنها قرعه انداخته می‌شود؛ چون قرعه برای حل هر امر مشکلی وارد شده است و این مورد هم از مشکلات است. لذا اگر بخواهیم قائل به قولی شویم، باید بگوییم گزینه «۱» صحیح است ولی از آنجا که در سؤالات معمولاً قول شهید اول ملاک است، لذا هیچ یک از گزینه‌ها جواب سؤال نیست.

۲۹ گزینه ۲ فروش اسب عابر، صحیح نیست، چون یکی از شرایط مبیع آن است که باید به‌گونه‌ای باشد که فروشنده بتواند آن را به مشتری تسلیم کند؛

لذا چون در اینجا قادر به این امر نخواهد بود، پس معامله صحیح نیست و گزینه «۲» جواب این سؤال است. (این سؤال از باب متاجر است.)

۳۵ گزینه ۱ در صورتی که معلوم شود فروشنده در خبردادن از مقدار ثمن و یا آنچه که در حکم ثمن است و یا در بیان جنس ثمن و یا وصف آن دروغ گفته یا اشتباه کرده است به واسطه شهادت دو شاهد عادل یا اقرار بایع، مشتری میان رد و گرفتن مبیع به همان مبلغی که عقد بر آن واقع شده مخیر است، چون مشتری، توسط فروشنده، فریب خورده است. لذا جواب این سؤال گزینه «۱» است. ارش برای موردی است که عیبی حادث شده باشد، لذا گزینه‌های «۲ و ۳ و ۴» رد می‌شوند. (این سؤال از باب متاجر است.)

۳۱ گزینه ۲ می‌گوید «۱» می‌گوید که، طلبکار نمی‌تواند مستقلاً بدون اجازه حاکم، به قسم دادن مدعی علیه مبادرت کند، که صحیح است؛ چون واقع ساختن قسم، هر چند حق مدعی است، ولی منوط بر اجازه حاکم است. گزینه «۲» می‌گوید که، جایز است که حاکم از پیش خود، منکر را قسم دهد که غلط است و رد می‌شود، چون جایز نیست، چون قسم دادن، حق مدعی است و بدون درخواست مدعی صورت نمی‌گیرد. گزینه «۳» می‌گوید که، پس از قسم خوردن منکر، اگر مدعی بینه بیاورد، از مدعی پذیرفته نمی‌شود که صحیح است. گزینه «۴» می‌گوید که اگر منکر از پیش خود قسم بخورد، آن قسم لغو و بی‌اثر خواهد بود که صحیح است.

۳۲ گزینه ۴ عبارت می‌خواهد بگوید که، بر حاکم حرام است که شاهد را به تردید اندازه‌د. اصل معنای «تعتعه در سخن» تردید و دودل بودن در سخن است، و مقصود از آن در اینجا آن است که حاکم در گواهی شاهد مداخله کند، یعنی در کلام شاهد، کلماتی بیاورد که وی را به تردید و یا اشتباه اندازه‌د؛ مانند اینکه شاهد بگوید: «مدعی، فلان چیز را خرید» و حاکم در اثنای کلام او بگوید: «به صد تومان» لذا جواب این سؤال گزینه «۴» است.

۳۳ گزینه ۳ اگر شریک، درخواست تقسیم کند، و هیچ ضرری و رد مال در پی نداشته باشد، شریک دیگر به تقسیم کردن اجبار می‌شود. و اگر یکی از شرکاء مهیاة را درخواست کند، یعنی تقسیم منفعت مال مشترک به حسب اجزای مال و یا به حسب زمان، چنین درخواستی جایز است ولی پذیرفتن آن واجب نیست،

لذا جواب این سؤال گزینه «۳» است.

۳۴ گزینه ۴ گزینه «۱» می‌گوید که بر حاکم واجب است که قسم خورنده را قبل از قسم، نصیحت کند که غلط است و رد می‌شود، چون بر حاکم مستحب است. گزینه «۲» می‌گوید که بر حاکم مکروه است که شاهد را به تردید بیندازد، که غلط است و رد می‌شود، چون بر قاضی حرام است، لذا گزینه «۴» جواب این سؤال می‌باشد. گزینه «۳» می‌گوید که هر امری که با یک شاهد مرد و زن اثبات می‌شود با یک شاهد و قسم اثبات نمی‌شود که غلط است و رد می‌شود، چون اثبات می‌شود.

۳۵ گزینه ۱ اگر بخواهیم طبق تعریف شهید اول بیان کنیم، مدعی کسی است که اگر خصومت را واگذارد، رها می‌شود و منکر مقابل او است. اما قولی گوید: مدعی کسی است که ادعایش مخالف با اصل باشد و یا برخلاف ظاهر حال باشد، لذا گزینه «۱» جواب این سؤال است؛ هر چند که اگر در گزینه «۳» به جای مدعی دوم، منکر می‌گذاشت، این گزینه هم با توجه به تعریف قولی درست می‌شد.

۳۶ گزینه ۳ اگر هر دو طرف دعوا بر مال، ید داشته باشند، ولی یکی از آنها تمام آن را و دیگری نصف آن را مدعی باشد، دو حالت دارد: (۱) مال به طور مشاع بین آنها است و هیچ یک بینه هم ندارند، که در آن صورت؛ پس از آنکه مدعی نصف برای مدعی کل سوگند خورد، باید عین مال را میان خود به دو نیم تقسیم کنند، بدون اینکه لازم باشد که مدعی کل نیز برای مدعی نصف سوگند بخورد، چون مدعی نصف، قبول دارد که مدعی کل، مستحق نصف دیگر است. (۲) اگر نصف مورد نزاع، معین باشد باید پس از سوگند خوردن هر دو، آن را به طور مساوی میان خود تقسیم کنند؛ لذا برای مدعی نصف، یک چهارم مال ثابت می‌شود و سه چهارم دیگر، به مدعی کل می‌رسد. در واقع، فرق نزاع در نصف مشاع با نزاع در نصف معین، آن است که در صورت اشاعه، هر یک از طرفین، مدعی تعلق حقیق به هر جزئی از عین است؛ لذا برای یک طرف، ترجیحی وجود ندارد، اما در نزاع در نصف معین، چون در نصف دیگر، نزاعی وجود ندارد. با این توضیحات و اینکه در سؤال مورد، مشاع را خواسته است، لذا گزینه «۳» جواب این سؤال است.

۳۷ گزینه ۳ رشوه گرفتن بر قاضی حرام است. رشوه آن است که قاضی از دو طرف نزاع یا یکی از آنها و یا از غیر آنها مالی بگیرد و در عوض آن، میان آنها حکم کند و یا یکی از دو طرف را بر راهی از راههای حکم، راهنمایی کند. و فرقی نمی‌کند که حکمی که به نفع رشوه‌دهنده صادر می‌شود، حق باشد یا باطل. گرفتن رشوه به اجماع مسلمین حرام است. همان‌گونه که گرفتن رشوه بر گیرنده آن حرام است، دادن آن بر دهنده‌اش هم حرام است؛ چون رشوه‌دهنده با این کار به گناه و عدوان کمک می‌کند، مگر اینکه رشوه دهنده برای رسیدن به حق خود چاره‌ای جز رشوه دادن نداشته باشد، که در این صورت، تنها رشوه گیرنده مرتکب حرام می‌شود. در صورت رشوه گرفتن اگر عین رشوه باقی باشد، واجب است آن را به صاحبش برگرداند، و اگر تلف شده باشد، ضامن مثل یا قیمت آن است، لذا با این توضیحات، گزینه «۳» جواب این سؤال است.

۳۸ گزینه ۱ در صورتی که مدعی برای خوش طرح دعوا کند و یا علیه میت و طفل و دیوانه، اقامه شهادت کرده باشد، افزون بر بینه سوگند هم واجب است، اما اگر مدعی برای موکل خود یا برای کسی که تحت ولایت اوست، طرح دعوا کند، بر مدعی، قسم خوردن واجب نیست و لذا مال برداشته شده از اموال غایب توسط کفیل به مدعی تسلیم می‌شود تا هنگامی که مالک حاضر شود و یا مولی علیه کامل گردد و مادام که مدعی علیه غایب است، خود مالک یا مولی علیه، قسم می‌خورد و اگر حاضر شوند، قسم خوردن بر آنها واجب نیست، لذا با این توضیحات گزینه «۱» جواب این سؤال است.

۳۹ گزینه ۲ در تعریف مدعی گویند: «هو الذی یترک لو ترک الخصومة» یعنی مدعی کسی است که اگر خصومت را واگذارد، رها می‌شود. و این همان است که گفته‌اند: مدعی، کسی است که با سکوت کردن او، نزاع هم رها می‌شود و البته برخی گویند، مدعی کسی است که ادعایش مخالف با اصل باشد و یا بر خلاف ظاهر حال باشد. در تعریف منکر گویند که منکر در مقابل مدعی قرار دارد. لذا از میان گزینه‌ها، گزینه «۳» در مقابل گزینه «۱» که تعریف مدعی، است قرار می‌گیرد. پس این گزینه جواب این سؤال است.

۴۰ گزینه ۳ اگر مال در تصرف هر دو باشد، اما یکی مدعی تمام مال و دیگری

مدعی نصف آن باشد، دو حالت وجود دارد: (۱) نسبت به نصف مشاع با هم دعوا داشته باشند که در آن صورت پس از آنکه مدعی نصف برای مدعی کل سوگند خورد، باید عین مال را میان خود به دو نیم تقسیم کنند. (۲) نصف مورد نزاع معین باشد، که در این صورت به مدعی نصف، یک چهارم و به دیگری سه چهارم می‌رسد. البته این را هم باید گفت که این حالات مخصوص جایی است که هیچ یک بینه ندارند، اما اگر هر دو بینه داشته باشند، عین متعلق به کسی است که خارج محسوب می‌شود که در اینجا بینه خارج، مدعی کل است. لذا با این توضیحات، گزینه «۳» جواب این سؤال است.

۴۱ **گزینه ۲** عبارت توضیح می‌دهد که، اگر مدعی، نوشتن اقرار مدعی‌علیه را از حاکم بخواهد، حاکم باید اقرار را بنویسد و بر آن شاهد هم بگیرد؛ به شرط اینکه حاکم خودش مدعی‌علیه را بشناسد یا دو عادل، شهادت دهند که او را می‌شناسند، یا حکم به نوشتن شکل و صفات ظاهری او بسنده کند؛ لذا با این توضیح، فاعل «التمس» مدعی است و ضمائر «مع معرفته» و «اقتناعه» به ترتیب، مدعی‌علیه و حاکم هستند و لذا گزینه «۲» جواب این سؤال است.

۴۲ **گزینه ۴** در اینجا یک مدعی وجود دارد که می‌گوید من بدهی خود را پرداخته‌ام و یک منکر وجود دارد که می‌گوید او بدهی خود را نپرداخته است. لذا همین که مدعی پرداخت می‌گوید من بدهی خود را پرداخته‌ام؛ یعنی قبول دارد که به دیگری بدهکار بوده است؛ لذا قول این فرد مخالف اصل محسوب می‌شود و باید بینه بیاورد؛ از طرفی چون اصل بر عدم پرداخت است، پس قسم متوجه طلبکار می‌شود و قول او مقدم می‌شود؛ پس با این توضیحات گزینه «۴» جواب این سؤال است.

۴۳ **گزینه ۲** در عصر غیبت امام (علیه السلام)، قاضی تحکیم مطلقاً یعنی خواه مجتهد باشد و یا نباشد، قابل تصور نیست چون اگر قاضی تحکیم مجتهد باشد، حتی بدون حکم قراردادنش، حکم او نافذ است و اگر مجتهد نباشد به اجماع فقها مطلقاً یعنی خواه او را حکم قرار بدهند و یا قرار ندهند، حکم او نافذ نیست، لذا گزینه‌های «۱» و «۳» چون اشاره به دوران غیبت کرده‌اند، رد می‌شوند. از طرفی قاضی؛ تحکیم در صورتی تحقق می‌یابد که جامع شرایط بوده و امام حاضر باشد و او را نصب نکرده باشد، لذا گزینه «۴» هم رد می‌شود و در آخر هم باید گفت

که اصلاً قاضی تحکیم کسی است که با وجود قاضی منصوب از سوی امام (علیه السلام)، دو طرف دعوا به داوری او میان خود رضایت می‌دهند، پس حکم او نافذ است. با این توضیحات، فقط گزینه «۲» صحیح است.

۴۴ گزینه ۴ منصوب بودن قاضی‌ای که از طرف امام نصب شده از دو طریق ثابت می‌شود: (۱) به واسطه شیاع یعنی خبر دادن گروهی به نصب او به‌گونه‌ای که راستگو بودن آنها، بر گمان انسان غالب شود. (۲) با شهادت دو شاهد عادل، هر چند شهادت آنها در حضور حاکم شرع نباشد، بلکه به واسطه شهادت دو عادل، نزد هر کسی که شهادت آن دو را بشنود، منصوب بودن قاضی از طرف امام (علیه السلام) ثابت می‌شود؛ لذا منصوب بودن او به واسطه شهادت یک عادل اثبات نمی‌شود. پس گزینه «۱» رد می‌شود؛ همچنین با اخبار ثقه هم ثابت نمی‌شود، پس گزینه «۲» رد می‌شود و گزینه «۳» چون منحصر به شهادت دو نفر عادل دانسته است، رد می‌شود. این را هم باید گفت که با خطی که به امام منسوب است، حتی در صورت ایمنی از تزویر هم ثابت نمی‌شود، پس با این توضیحات گزینه «۴» جواب این سؤال است.

۴۵ گزینه ۳ شهید ثانی در مورد قاضی تحکیم چند مطلب را بیان می‌کند: (۱) قاضی تحکیم کسی است که با وجود قاضی منصوب از طرف امام (علیه السلام) دو طرف دعوا به داوری او میان خود رضایت می‌دهند. (۲) تنها در زمان حضور امام می‌توان به قاضی تحکیم مراجعه کرد. لذا گزینه «۱» صحیح است. (۳) قاضی تحکیم به اجماع فقها باید شرایط افتاء را داشته باشد و به عبارتی باید، بالغ، عاقل، حلال زاده، دارای حافظه غالب و عدالت باشد؛ لذا گزینه «۲» هم صحیح است. (۴) قاضی تحکیم در عصر غیبت مطلقاً یعنی خواه مجتهد باشد و خواه نباشد، قابل تصور نیست، چون اگر قاضی تحکیم مجتهد باشد، حتی بدون حکم قرار دادنش، حکم او نافذ است و اگر مجتهد نباشد، مطلقاً حکم او نافذ نیست. لذا گزینه «۳» غلط بوده و جواب این سؤال است. (۵) در اینکه آیا بعد از صدور حکم توسط قاضی تحکیم، نفوذ حکم او منوط بر رضایت دو طرف دعوا است یا خیر، قول بهتر عدم اشتراط رضایت آنها است، چون روایات در نافذ بودن حکم قاضی، مطلق است؛ لذا گزینه «۴» هم صحیح است و همان گزینه «۳» جواب این سؤال است.

۴۶ گزینه ۱ ولایت قاضی منصوب از طرف امام به دو طریق ثابت می‌شود: (۱) به واسطه شیع (۲) شهادت دو شاهد عادل، هر چند شهادت آنها در حضور حاکم شرع نباشد بلکه به واسطه شهادت دو عادل، نزد هر کسی که شهادت آن دو را بشنوند، ثابت می‌شود، لذا گزینه «۳» رد می‌شود. پس منصوب بودن با: (۱) شهادت یک عادل (۲) گفته خودش، هر چند قرائن به صحت قول او شهادت دهند. (۳) با خطی که به امام منسوب است، ثابت نمی‌شود، پس گزینه‌های «۲ و ۴» هم رد می‌شوند و فقط گزینه «۱» جواب این سؤال است.

۴۷ گزینه ۱ قاضی در صورت نیاز به روزی خوردن از بیت المال، به علت نبودن مال یا دسترسی نداشتن به مال، روزی خوردن او جایز است، لذا گزینه «۳» چون «مطلقاً» را آورده است، رد می‌شود. البته خواه قضاوت بر او با نصب خاص امام و یا به علت نبودن فرد دیگری برای قضاوت، واجب عینی باشد و خواه نباشد، چون بیت المال برای مصالح مسلمانان آماده شده و قاضی از بالاترین مصالح است، لذا گزینه‌های «۲ و ۴» چون از «تعین» استفاده کرده‌اند، رد می‌شوند و فقط گزینه «۱» جواب این سؤال است. در آخر هم باید گفت که برای قاضی، گرفتن جُعل و یا مزد از صاحبان دعوا و غیر آنها، جایز نیست، چون آن مال در معنای رشوه است.